

تو کجا بودی؟

آن زمان که به آسمان چشم انداخته بودم و از میان اینهمه

ستارگان آسمان به دنبال تو بودم که یک لحظه

به من چشمک بزنی و مرا ببین

از بیش عاشق خودت کنی ، تو کجا بودی؟

آن زمان که دلنگ تو بودم ، منتظر شنیدن صدای مهربان تو بودم ،

تک تک ثانیه ها را میشمردم و در تب و تاب دیدار

با تو بودم ، تو کجا بودی؟ آن زمان که دلم گرفته بود ،

با خود درد دل میکردم ، اشک میریختم

و در حسرت دیدن تو بودم تو کجا بودی؟

آن زمان که دستانم را به آسمان برده بودم و تو را دعا میکردم

تو کجا بودی؟

تو کجا بودی که ندانستی من کجا هستم؟

یک لحظه هم از فکر و یاد تو دور نیستم !

تو کجا بودی که بینی این مرد مجنون در این دنیای

دور چگونه در پی تو شب و روز به انتظار ن

شسته است ، خسته است ، شکسته است !

در آن زمان تو با یار دگر بودی و من نیز دلم را به تو خوش کرده بودم

که آری کسی هست که تنها مرا دوست میدارد !

اما افسوس

افسوس که در آن زمان تو در آغوش یار دیگری بودی



alifathi1385.blogfa.com